



## تاریخچه کتابخانه در ایران

علیرضا گنجی

مسئول امور کتابخانه‌های عمومی استان سیستان و بلوچستان

زبان نوشتاری، تمدن عظیم جامعه بشری را در طول تاریخ نمایان ساخت و زیربنای فرهنگ دنیای امروز و فردا نیز واقع گردید. مسلماً یکی از مؤثرترین عنصر تکامل فرهنگ هر جامعه آثار و نوشته‌های آن جامعه است و جمع‌آوری آثار نوشتاری هر جامعه بدون ایجاد، گسترش و تقویت پایگاه‌های فرهنگی، خیالی باطل است کتابخانه تنها محلی برای حفظ، نگهداری و ارائه کتب ارزشمند در همه مکانها و زمانها می‌باشد و بدین سبب است که کتابخانه‌ها از مهمترین پایگاه‌های نشر علم، فرهنگ و هنر و زمینه‌ساز آفرینش‌های تئوری و عملی بوده و هست. کتابخانه با نقشی که در رابطه با انتقال میراث فرهنگ جامعه ایفاء می‌کند جبراً بر توسعه فرهنگی اثر می‌گذارد ایرانیان در تمام دوره‌های تاریخی به امر کتاب و کتابخانه علاقه داشته‌اند. روزگاری در تخت جمشید کتابخانه بزرگی ترتیب داده شده بود و هزاران لوحه مکشوفه در آنجا و ۲۴۵۰ لوحه مکشوفه در فسا شاهدهی معتبر بر وجود کتابخانه‌های عظیمی در ایران دوران باستان می‌باشد. این‌ندیم از دو کتابخانه دیگر هم در زمان ساسانیان سخن می‌گویید یکی کتابخانه اردشیر بابکان و دیگری کتابخانه‌ای که انوشیروان در گندی شاپور به واسطه دانشگاه آنجا فراهم آورده بود. بعد از اسلام کتابخانه به عنوان همزاد مساجد و مدارس بوده و به موازات آنها رشد و گسترش یافته است بطوری که در قرن‌های اولیه تمدن اسلام کمتر مسجدی یا مدرسه‌ای را می‌توان یافت که در کنار آن کتابخانه‌ای و محلی

برای مطالعه و استفاده از کتاب وجود نداشته باشد. و در همین ایام بود که تجارت کتاب نیز گسترش یافت. یعقوبی می‌نویسد «در بغداد به تنهایی یکصد کتابفروشی وجود داشته» بازارهای کتاب در شهرهای بغداد، قاهره، قرطبه، سویل و سمرقند مشهور بوده‌اند. پاره‌ای از سلاطین ایران بعد از اسلام به امر تأسیس کتابخانه رغبت زیاد نشان می‌دادند. سلطان محمود غزنوی کتابخانه بزرگی ایجاد کرد. بهاء‌الدوله دیلمی در ۳۸۱ هجری دارالکتب را بنیان نهاد. در خراسان و ماوراءالنهر کتابخانه‌های عظیمی بوجود آمد. ابوعلی سینا در وصف کتابخانه نوح بن منصور سامانی می‌گوید: روزی از او دستوری خواستم که به کتابخانه بروم و آنچه از کتاب‌های پزشکی در آنجا هست بخوانم، پس مرا دستوری داد و به سرایی اندر شدم که خانهای بسیار داشت و در هر حجره‌ای صندوق‌های کتاب بود که روی هم نهاده بودند. در یک خانه کتاب‌های عربی و دیوان‌های شعرا، در حجره‌ای دیگر کتاب‌های دینی و فقه و بدین ترتیب هر خانه‌ای مشتمل بر کتاب‌هایی مربوط به دانش دیگر بود کتاب‌هایی یافتیم که نام آنها به بسیاری از مردم نرسیده بود، و من هم پیش از آن ندیده بودم. مقدسی، جغرافیدان معروف درباره کتابخانه عضدالدوله دیلمی گوید: هیچ کتابی تا عهد عضدالدوله در انواع علوم تألیف نشده بود مگر آنکه در آن کتابخانه جمع شده باشد. یاقوت در معجم‌الادبا و ثعالبی در بیتیمة‌الدهر فی معرفة اهل العصر و ابن اثیر در کامل و نیز ابن‌خلکان در طبقات‌الادبا از

کتابخانه معروف ابونصر شاپور بن اردشیر و عظمت آن سخن گفته‌اند، این کتابخانه وقف عام بوده و مردم می‌توانسته‌اند از گنجینه موجود استفاده نمایند. این کتابخانه ده هزار مجله داشته و در حریق که در سال ۴۴۷ هجری در محله کرخ بغداد رخ داد طعمه آتش گردید. صاحب بن عباد که از وزرای باکیاست و فرهیخته‌ای کم‌نظیر بود کتابخانه‌ای بسیار ارزشمند در ری ترتیب داده بود که یکصد و هفده هزار جلد کتاب مجموعه آن بوده است و همین کتابخانه است که بعدها نام دارالکتب ری را به خود گرفت.

صاحب بن عباد در دعوت نوح بن منصور سامانی که وی را به وزارت بخارا فرا خوانده بود می‌گوید: من بدون کتاب‌هایم نمی‌توانم زندگی کنم و باید کتاب‌هایم با من باشد در حالی که برای حمل آنها حداقل چهارصد شتر لازم است. مقدسی در احسن‌التقاسیم از کتابخانه‌ای بزرگ و با عظمت در راهرمز یاد می‌کند که مرجع مهم معتزله خوزستان بشمار می‌آمده است. بنا به نوشته امام فخر رازی در کتاب مناظرات - امام محمد غزالی در توس کتابخانه بزرگی داشته که عموم مردم می‌توانستند از آن استفاده نمایند. و به روایت یاقوت در مرو ده باب کتابخانه موجود بوده است. کتابخانه دیگر کتابخانه رصدخانه مراغه بود که بنا به نوشته جرجی زیدان در آداب اللغة قسمت مهم کتاب‌های این کتابخانه از کتاب‌های شام و بغداد و جزیره موصل بود که در فتنه تاتار غارت شده و عدد آن را بالغ بر چهارصد هزار جلد گفته‌اند. خواجه نظام‌الملک وزیر



دانشمند ایرانی در نیشابور و دیگر شهرها مدارس بنام نظامیه بنیان نهاد و در هر یک از آنها معلمین و مدرسینی بگماشت و کتابخانه‌ای دایر کرد. سخن از همه کتابخانه‌ها در ایران مجالی دیگر می‌طلبد که در آینده انشاءالله بدان می‌پردازم.

## اولین‌ها در کتابداری و کتابخانه

### اولین کتابخانه عمومی ایران

نخستین کتابخانه عمومی ایران در تبریز توسط «حاج میرزا حسن خازن لشکر فرزند سلمان معتمد السلطان تبریزی، یکی از سردان خیر و روشنفکر تبریز در عصر ناصری است» بنیانگذاری شد.

در تبریز، تأسیس قرائت‌خانه، سابقه ممتدی دارد. هر موقعی که عده‌ای از روشنفکران جمع آمده یا انجمنی تأسیس کرده‌اند یا روزنامه و مدرسه تشکیل داده‌اند، درصدد برآمده‌اند که برای استفاده عمومی، قرائت‌خانه‌ای نیز تأسیس و ترتیب دهند. قدیمی‌ترین قرائت‌خانه و کتابخانه عمومی که در زمان اخیر در تبریز تأسیس شده، کتابخانه و قرائت‌خانه‌ای است که در سال ۱۳۱۲هـ.ق. جنب مکتب‌خانه ارک به وسیله مرحوم خازن لشکر با کتابداری مرحوم شریعتمدار تأسیس شده است. این کتابخانه عمومی بوده، هر کس می‌توانست با داد قبض کتاب امانت بگیرد و پس از مطالعه مسترد دارد و قبض خود را دریافت کند.

این کتابخانه متجاوز از ۶۰ هزار جلد کتاب داشته است، که کتاب‌های آن جزء خطی (آن هم اغلب روی پوست ماهی و آهو) نوشته شده بود. میرزا حسن خازن لشکر خانه خود را به کتابخانه و قرائت‌خانه عمومی تخصیص داد و این دارالادب به دستگیری و سرپرستی مرحوم میرزا محمدحسین شریعتمدار که فاضلی ستبحر بود دایر شد.

رضا غریبی  
کارشناس علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

